

جادوگری و

نقش افریقا در جهانی شدن

ترجمه و تلخیص :
محمد حسن ایپچی



یکی از سئوالاتی که معمولاً در ذهن علاقه‌مندان به مسائل آفریقا مطرح می‌شود این است که چرا مردم آفریقا تمایل و علاقه زیادی دارند تا هر نوع تغییر و دگرگونی در زندگی خود را در قالب مفهوم جادو یا سحر تفسیر کنند؟ امروزه به نظر می‌رسد اعتقاد به جادو در جای‌جای قاره آفریقا: در جراید، مطبوعات، رادیو و یا تلویزیون دیده می‌شود. به سخن دیگر پدیده جادو در دهه‌های اخیر نمود بیشتری در زندگی اجتماعی آفریقا داشته است. بحث «جهانی شدن» در جامعه معاصر آفریقا بدون در نظر داشتن اینکه زندگی آفریقایی بدون در نظر گرفتن نقش و کارکرد جادو چه معنی و مفهومی خواهد داشت بسیار مشکل است.^۱ نقش برجسته جادو در عصر اطلاعات را به خوبی در این بیان کاماروف می‌بینیم: «جادو... کلیه تناقضات مدرنیته را نشان می‌دهد و نه تنها فریبهای اغواگر، هیجانانگ به هدر رفته، حتی تدابیر تبعیض‌گونه و ائتلاف هزینه‌های اجتماعی مدرنیته را مجسم می‌نماید.»

در عین حال به نظر می‌رسد ترس و وحشت زیادی در میان مردم آفریقا نسبت به جادوگری وجود دارد که البته این احساس در بخش‌هایی از جامعه که بیشتر با نوسازی و مدرنیسم آشنا شده‌اند معمولاً پیچیده‌تر می‌نماید. از سوی دیگر همزمان با افزایش اعتقادات جادوگری ماشه تفنگ‌ها به طرز خصمانه و بی‌رحمانه‌ای جان جادوگران را هدف شکار خود قرار داد و این عمل نه تنها از سوی جادوگران پزشک، بلکه توسط برخی مقامات دولتی و نیروی نظامی نیز انجام می‌شد. رشد سرمایه‌داری در میان طبقه‌ای معدود در جامعه، عواقب بسیار منفی برای اکثریت فقیر داشت و خود در تأثیرگذاری بر کارکرد جادو در جامعه طبقاتی بی‌معنی نبود. سئوال دیگری که غالباً بسیار رواج دارد، رابطه کاملاً نزدیکی است که مدرنیته و جادوگری دارند.

واقع اینکه، مفاهیمی چون جادو، طلسم، سحر و یا هر اعتقاد مشابهی که در جامعه آفریقا رخ می‌نماید^۲، بی‌تأثیر از نفوذ فرهنگ غرب نیست. اما با توجه به

بررسی‌های به عمل آمده بیان مفهومی واژگانی نظیر جادو در دوره معاصر بدین صورت است که مردم آفریقا تلاش می‌کنند تغییرات زندگی را در راستای قدرت‌های غیبی به گفتمان سنتی ربط دهند. البته هر چند ارتباطی سنت و مدرنیسم، ابهاماتی را نیز در بر دارد. به هر حال، تفسیرهایی که از جادو و... می‌شود و نقش این‌گونه تفاسیر در زندگی روزانه مردم آفریقا پرسش دیگری است که سعی در پاسخ دادن به آن داریم. نظر به اینکه بسیاری از مردم آفریقا مدرنیزاسیون را هنوز محسوس بیداری می‌دانند، شاید جادوگری در این مرز و بوم نشانی از عقب ماندگی محسوب شود.^۴



لذا این فقط مردم آفریقا نیستند که تسلیم مدرنیته شده‌اند، بلکه نمونه‌های مشابه در بسیاری از کشورهای واقع در مرکز سرمایه‌داری نیز مشاهده می‌شود.^۵ در عین حال، کاماروف در بررسی تحقیقی خود تشابهات آشکار و مؤثری را بین جادو در آفریقای امروز از یک‌سو و افزایش آزار و اذیت کودکان به ویژه از سوی والدین، پرستاران و سایر نزدیکان کودک در غرب مشاهده نمود.^۶

در آثار قبلی تلاش بر این بود تا ویژگی‌های مدرن‌سازی جادو در آفریقا را از طریق تأکید بر دو جنبه مهم آن یادآور شوم. از جادو به عنوان قدرتی هم‌تراز با دیگر اهرم‌های مهم جامعه آفریقا بهره‌برداری شده است.

همچنین از جادو به عنوان عامل مؤثر در از بین بردن نابرابری در قدرت سیاسی و اقتصادی استفاده می‌شد. به عبارت دیگر، جادو می‌تواند دارای نتیجه مطلوب یا غیرمطلوب باشد، بکشد یا شفا دهد و بالاخره اینکه هرچند معنی و مفهوم شر و بدی می‌دهد لیک، اگر به کنترل درآید می‌تواند در مسیر مفیدی به کار آید. از سوی دیگر، در جوامع آفریقایی، زبان جادویی در واقع نوعی ابراز تنش‌ها و اضطراب‌های زندگی اجتماعی است. در بین کاهن‌روهای مالووی، عملیات انسون، همچنان که مبین خصومت بین فرقه‌هاست، به تقویت موقعیت دارندگان قدرت و امتیاز، به عنوان

اوگاندا، خطر اتهام جادوگری موجب احترام والاتباهرا و ریش سفیدان و ترس از ناسازگاری و گشاده‌دستی افراد دودمانی می‌شود که در زمینه‌های مادی موفق بوده‌اند. بنابراین، رقابت و افزایش اعتبار همزمان افراد با شدیدترین موانع روبه‌رو می‌شود، جادوگری دیگر یکی از ابزارهای دخل و تصرف در قدرت نیست، ولی قابل اعتمادترین حامی آن است، زیرا به کسانی که از آن به منظور مخالفت با رقابت استفاده می‌نمایند، حمله می‌کند.^۷

جادو در آفریقا

پدیده جادو یکی از مفاهیمی است که قبل و پس از پایان استعمار آفریقا و همراه با تحولات جدید در حمایت مردم آن منطقه دارای اثرات بی‌شماری بوده است. رابطه بین جادو و مدرنیته در آفریقا بحث بسیار مهمی است. در دهه ۱۹۶۰ و در نخستین سال‌های کسب استقلال سیاسی غالب روشنفکران آفریقایی تمایل داشتند که دو پدیده جادو و مدرنیسم را در برابر هم و در تقابل قرار دهند. به عبارت دیگر این دو کاملاً جدا از هم و در ضدیت با همدیگر نگریسته می‌شدند و در آن ایام اکثریت مردم علاقه چندانی نداشتند که وقت خود را صرف مسائل پیرامون جادو نمایند: گویی این مسئله مقوله‌ای قدیمی یا حتی ضدمدرن به نظر می‌رسید.

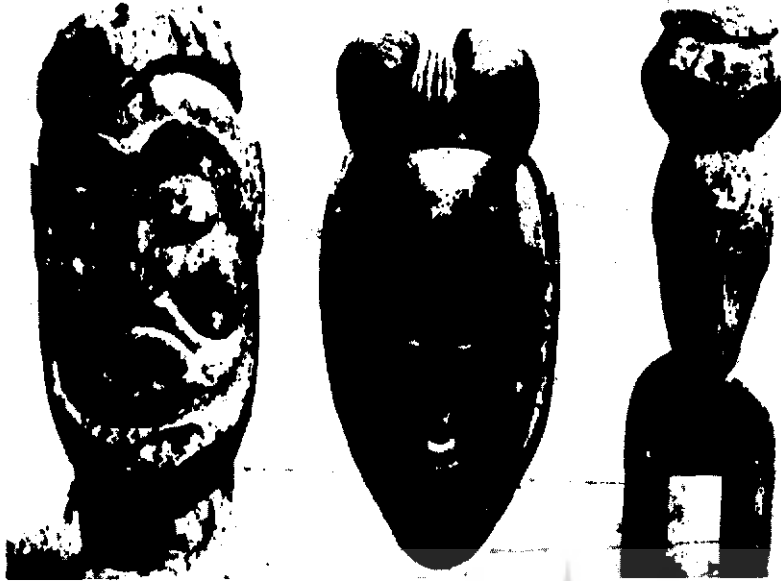
اما در آغاز دهه ۱۹۷۰ همزمان با تغییرات سریع اجتماعی در آفریقا، مفهوم جادو نزد عامه مردم صورت دیگری یافت؛ و نهایتاً به تدریج تبدیل به یک مسئله عمومی در جامعه شد و در مطبوعات، رادیو، تلویزیون و همه محافل و اجتماعات مورد استفاده واقع گشت. یکی از نشانه‌های این رویداد توجه جدی دولت‌های آفریقایی به ابعاد مختلف پدیده جادوگری بود. البته بلافاصله پس از استقلال در آفریقا دولتمردان و کارگزاران مالک این قاره به سبب علاقه وافرشان به مدرنیسم خواهان آن بودند که دنباله‌رو اسلاف مستعمرات خود باشند و حداقل در محافل عمومی، سعی در نادیده گرفتن و کم‌توجهی به

پزشک - جادوگرانی که بعضی‌هایشان نگران شهرت و اعتبار خود از این نظر نیستند نیز کمک می‌کند.

بسیاری از جوامع آفریقای شرقی، نمونه‌های مشابهی به دست می‌دهند، با این معنی که افراد مهم به منظور تأمین برتری و نفوذشان در قبیله یا طایفه از جادو استفاده می‌کنند. نزد ناندی‌های کنیا، شخصیت مسلط ارکویت است: که نه رئیس است و نه قاضی، ولی «متخصص آئین» است و مضمّانه در امور قبیله مداخله می‌کند. این مقام متعلق به شخصیت متردد است، که طبیعت نیکوکاری (و از جمله حالات الهی) را با قدرت‌های خطرناک پزشک - جادوگری ترکیب می‌کند و بدین وسیله، هم مرجعیت دینی خود را تقویت می‌نماید و هم ترس و تشویش را القا می‌کند، تا جایی که ارکویت با رئیس یکسان تلقی می‌شود، این جنبه دوگانه شخصیت او دو چهره امر سیاسی را منعکس می‌کند - چهره نظم خیرخواهانه و چهره اضطراب توأم با خشونت.

از سوی دیگر، استراتژی ضد آن نیز ممکن است نتایج مشابهی به دست دهد، عمل جادوگری، که بی‌چون و چرا به عنوان بدی مطلق و بی‌نظمی شناخته می‌شود به اشتباه منشأ همه اعمالی تصور می‌شود که هنجارها را نقض و موفقیت‌های مستقر را تضعیف می‌کند، و پیوسته در معرض آن است که بدی اعمالش به خودش بازگردد.

به عنوان مثال، نزد گی‌سوهایی (Gisu)



جادوگری داشتند. اما به دنبال فشار افکار عمومی آفریقا و از طرفی افزایش موج گرایش به جادو و سحر، حکومت‌های آفریقایی بر آن شدند تا واکنش جدی از خود نشان دهند. در سال ۱۹۷۱ که مشغول کار تحقیقی در کشور کامرون بودم یکی از دوستانم می‌گفت: «می‌دانم که شما سفیدپوستان اعتقادی به جادو ندارید و به همین علت حکومت استعماری از جادو حمایت نمی‌کرده است، لیک در حال حاضر حکومت در دست مردم کامرون است، مردمی که واقعاً به جادو اعتقاد دارند. مطمئناً قانون به زودی عوض می‌شود و جادو مقوله‌ای فراگیر خواهد شد. از طرفی، نشانه‌ی دیگر تغییر نگرش جامعه آفریقا به جادو و جادوگری شکل نوینی از «شفادهندگان سنتی» است که در سراسر قاره خود را نشان داده است (این عده از سوی بسیاری از مردم آفریقا هنوز به پزشکان جادوگر یا Fectichers معروف هستند). اما شفادهندگان (nganga) که در اوایل دهه ۷۰ چهره کاملاً سنتی خود را حفظ کرده بودند بدون سوادآموزی در مدرسه در منازل بسیار نازل در حومه روستاها زندگی می‌کردند. غالباً از طرف دولت به آنها کم‌توجهی می‌شد. در عین حالی که آنها دلایل محکمی برای کار خود داشتند. به هر حال نگاه منفی دولت چه در دوره استعمار و یا در سال‌های اولیه استقلال به سوی اینگونه افراد بود. اغلب حکومت‌ها به پزشکان سنتی ظنین بوده و همواره آنها را به دلایلی چون افترا یا خیانت در صلح مورد اذیت و آزار قرار می‌دادند.

اما در اوایل دهه ۱۹۸۰، گروه جدیدی از (nganga) یا علاج‌گران سنتی به صحنه اجتماع آمدند و در حالی که فرانسه را به خوبی صحبت می‌کردند به کتاب‌های جادوگری از یک‌سو و اقلام مربوط به مناسک مسیحی و دانش پزشکی از سوی دیگر مجهز بودند. پزشکان سنتی روش خاص درمانی خود را در جامعه آفریقا به کار می‌بردند و برای معرفی و تبلیغ خود از هر وسیله‌ای استفاده می‌کردند. اغلب آنها با

زندگی در منازل بزرگ، مهارت و حرفه خاص خود را به نام «طالعی‌بینی» معرفی می‌نمودند. روش برخورد آنان با بیماران بسیار خشن بود به طوری که ضمن ایجاد رعب و وحشت از ملامت آنان در بین مردم هیچگونه ابایی نداشتند. معمولاً خود را افراد مهمی دانسته و به خودستایی عادت داشتند، اما در عین حال از دولت این انتظار را داشتند که به رسمیت شناخته شوند: در حال حاضر و در بعضی مناطق، langanga به عنوان کارشناسانی خیره و با تجربه، قصات و وکلای دادگاه را جهت جمع‌آوری مدرک و گواه معتبر علیه جادو و سحرکمک می‌کنند در حالی که پیش از آن توسط دادگاه‌های دولتی مورد اذیت قرار می‌گرفتند.

همزمان با تغییرات تدریجی در اعتقاد مردم به پدیده جادو، آفریقا شاهد جذب بیشتر جامعه به سوی این گونه مفاهیم شد و گسترش سریع آن در کشورهایی مانند کامرون به ویژه در جنوب و غرب این کشور مشاهده گردید. ادبیات داستانی آن دوره در قالب مسائل پیرامون جادو از یکسو و تغییرات اقتصادی، اجتماعی از سوی دیگر بود. مردم سعی داشتند بر ترس و وحشت خود از اینگونه تغییرات، کنترل مرموزانه‌ای داشته باشند. مردم کامرون از اسامی

مختلفی برای انواع جدید جادو استفاده می‌کردند و *kupe, famla/ nyongo, ekong* از این جمله بودند.^۸

نام *Ekong* بیشتر در رابطه با انواع قدیمی جادو به کار می‌رود. جادوی *Ekong*، مردم را کمک می‌کند تا قربانی خود را بخورند و در مقابل آن جادوی *ekong* قربانیان خود را به سوی کشتراهای مخفی از نظر هدایت می‌کند. جادوی *Ekong* با مالکیت و تصرف اقلام سرمایه‌ای شناخته می‌شود و باعث ثروتمند شدن جادوگران خواهد شد و این هدف، عملی نخواهد بود جز از طریق استثمار نامشروع نیروی کار قربانیان خود. از جهت دیگر *ekong*، اعتقادات قدیمی جادوگری را به همراه دارد و برای نمونه این گونه جادوگران اعتراض شدیدی به اشکال و روابط اجتماعی نوین جادو با حیات خانوادگی و اجتماعی دارند. قانون *ekong* از طریق همراهی با انواع قدیمی جادو و به وسیله قربانی کردن یکی از بستگان نزدیک (حتی مادر) اجازه ورود فرد را به محفل ساحره‌ها می‌دهد.

دُرژنی (۱۹۸۱) نقل کرده که حتی در مناطق شهری جامعه *Duala* (یکی از شهرهای مهم و پرجمعیت کامرون) جادوی *ekong* اثر فراوانی بر قدرت پزشکان سنتی

یا *nganga* دارد و چنانچه همکاری خانوادگی صورت پذیرد قربانی جادو، سلامتی خود را بازمی‌یابد، اما در صورت عدم همکاری و مشارکت خانواده، *nganga* قدرت خود را از دست می‌دهد. امروزه مردم آفریقا تمایل دارند به جنبه‌های مدرن جادو (*ekong*) تأکید کنند: یعنی نوعی تعامل اجتماعی مابین جادو از یکسو و سرمایه‌داری از سوی دیگر. دُرُزنی جادوی *ekong* را به عنوان روش عامه‌پسند معرفی و از اسرار اقتصادی بازار نوین آفریقا چنین دریافته است که: جامعه آفریقا به شدت با شکاف طبقاتی روبرو شده و در حالی که اقلیتی از مردم ثروت کلانی دارند، اکثریت جامعه فقیر و ناتوان هستند. لذا در برابر مشکلات اقتصادی و اجتماعی است که *ekong* می‌تواند با آن کنار آید. همانگونه که ذکر شد «دوالا» شهر بندری معروف کامرون محل آمد و رفت تجار اروپایی است و همین‌طور خاستگاه اساسی *ekong*. مرکز این بندر بلندی‌های *Kupe* واقع در یک‌صد مایلی شمال *Duala* است که بازار اصلی جادو در آنجا قرار دارد و بر روی همین ارتفاعات است که کشتزارهای نامرئی کارگران سحر شده خود را برای استثمار خواهد داشت. *Ngana* که برای معالجه قربانیان تلاش می‌کند، موظف است شب هنگام سفر پرمخاطره‌ای را به بلندی‌های *Kupe* انجام دهد تا بتواند باعث دعوت و بازگشت ارواح بیماران شود و هرچند بلندی فوق، سمبل ملی کارهای نامشروع محسوب می‌شود، اما بیشتر محله‌های سودآور است: کتابچه یا جزوه‌های تهیه شده که تصاویر *Kupe* بر روی جلد آن چاپ شده و فروش بسیار خوبی در مراکز اصلی کامرون دارد. محتوی آن اطلاعات، در چگونگی دستیابی به ثروت محرمانه است. به نظر می‌رسد جغرافیای *ekong* در حوزه عملیاتی خود بیشتر به طور فرامغلی عمل نماید. در سال ۱۹۹۵، از طریق چندین پیک مطلع شدم که بلندی *Kupe* رفته‌رفته به ایستگاه تقویت‌کننده‌ای برای رفت و آمد جادوهای *ekong* به سراسر دنیا مبدل شده و مردم در حال حاضر بیشتر ترجیح

می‌دهند از طریق ارتباط با *ekong* بتوانند با باند مانیا یا دیگر شبکه‌های جهانی جرم و جنایت متصل گردند.

پی‌نوشت:

۱. ترجمه و تلخیص از کتاب:

Globalization and Identity by: Birgit Meyer and Peter Geschiere Blackwell - U.K. 1999.

۲. جالب اینکه انسان‌شناسان در بررسی‌ها و مطالعات خود برای مدت زمان طولانی علی‌رغم علاقه به جادو در آفریقا، توجه لازمی به کارکردهای جدید آن در رابطه با امور سیاسی و اجتماعی نداشتند. اما در اوایل دهه ۱۹۹۰ ناگهان تغییر مهمی در تحقیقات روی داد و با چاپ مقالات و کتاب‌هایی درخصوص پویایی‌های جادوگری تفسیر این پدیده با ابعاد بیشتری روبرو شد.

۳. بدیهی است کلماتی چون جادو، سحر و طلسم که در اندیشه غرب مطرح است نمی‌تواند ترجمان مناسب و صحیحی برای واژگان فرهنگ آفریقا باشند. لذا در بسیاری از موارد ترجمه‌های بی‌طرفانه‌ای چون «نبروهای غیبی» ترجیح داده می‌شود. اما به هر حال در میان مردم آفریقا همان ترجمان غرب مورد استفاده قرار می‌گیرد و نه تنها در رسانه‌های جمعی نظیر رادیو که بسیار در آفریقا مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد، بلکه در مطبوعات و تلویزیون، کاربرد مؤثری دارد. صاحب‌نظران علوم اجتماعی نیز به سختی از کاربری مفاهیم فوق‌پرهیز می‌نمایند چرا که خود در واقع بخشی از آن مجموعه‌ای هستند که مسائل فرهنگی و اجتماعی در آن اتفاق می‌افتد و لذا تبعاً نمی‌توانند خود را از واقعیت پدیده‌های اجتماعی دور نگاهدارند. علاوه بر این، تفاوتی را که اسانیدی چون Evans Pritchard بین دو مقوله سحر و جادو قائل هستند مورد پذیرش نیست چرا که با واقعیت فعلی آفریقا مطابقت ندارند.

۴. *Obeysekere* با تأکید بر افزایش فرقه‌های روحی و سحری به ویژه در مناطق و بخش‌های بسیار جدید سریلانکا، آن را هماهنگ با قاعده و بری نوسازی و عقب‌ماندگی نمی‌داند و نیز قدرت فراوان جادو را در آسیا یادآور می‌شود.

۵. *Taussing* به نقش شیخ‌ها و اعتقادات شیطانی در کلمبیا اشاره می‌کند و رابطه این گونه باورها را با تغییرات اقتصادی جامعه بیان می‌کند.

۶. یکی از علت‌های بافتن تشابهات دو پدیده جادو در آفریقا و اذیت کودکان در غرب در واقع کشف ویژگی مشترک حالت شرّ و خصومت در هر دو بود. گویی

تمایل بسیاری از انسان‌شناسان در مساوی دانستن جادو و بدی، مانع درک نوسازی اینگونه اعتقادات شده است. در فرهنگ آفریقایی و در بیان تصورات جادوگری، اغلب نوعی دوگانگی بین خیر و شر دیده می‌شود که این حالت در مباحث متأثر از تغییرات اجتماعی جدید بسیار مهم می‌نماید. مقایسه جادو و ترس و اذیت کودکان مسأله بسیار روشنی است یعنی در هر دو مورد نگرانی جامعه نسبت به تهدیدات جهانی شدن علیه فضای خودمانی زندگی دیده می‌شود.

۷. بالاننده، ژرژ - انسان‌شناسی سیاسی - ترجمه فاطمه گیوه‌چیان - نشر آران - ۱۳۷۴ (ص ۸۱-۲)

۸. درخصوص اثرات اولیه جهانی شدن بر جادوگری در آفریقا می‌توان به تحقیقات *Austen* (۱۹۹۳) اشاره نمود. تلاش او بر این نکته مهم بود که اختلاف عقاید جادویی در اروپا و آفریقا فقط از طریق بررسی پیشینه تحولات تاریخی دو قاره امکان‌پذیر خواهد بود. او جنون جادو در قرون ۱۶ و ۱۷ اروپا را به اخلاق ضد مصرف‌گرایی سرمایه‌داری ربط می‌دهد و نیز رها کردن بعدی عقاید جادویی را به افزایش بی‌رویه اقلام مصرفی نسبت می‌دهد و به هر حال، اسراف در مصرف بستگی به ارزشی کالاها و وارداتی به آفریقا دارد (از طریق تجارت برده). در قاره آفریقا، تجارت برده هنوز منبع مهمی در انباشت سرمایه محسوب می‌گردد (*Austen, 1993:103*).

